

## تأثیر آیین زردشت بر یونان قدیم/دکتر ژاله آموزگار

آیین زردشت در حدود قرن ششم قبل از میلاد (۱) در سرزمین ایران بزرگ و در شرایط خاص محلی به وجود آمد. تولد این آیین در ممالک اطراف همسایه‌ی آن دوران نمی‌توانست بی‌تأثیر باشد و به خصوص یونان، برای توجه به ایران و به مذهبی که زردشت عرضه کرده بود، انگیزه‌های فراوانی داشت.

یونانیان در آن دوره زبان پارسی و شاید هیچ زبان دیگری جز زبان خود را نمی‌دانستند و آن چه در آثار نخستین آنان از ایرانیان ترسیم شده است، با صورت واقعی و ذاتی آنان چندان وفق نمی‌دهد.

اگر از جزوه کوچکی که پیش از هرودوت از زردشت نام می‌برد سخنی به میان نیاورم، در حقیقت هرودوت را می‌توانیم نخستین مورخ بزرگی بدانیم که هم‌وطنان خود را با جزئیات بیش‌تری با تعالیم زردشت آشنا می‌کند. با این‌که اطلاعات او بیش‌تر از پارسیانی است که در بابل و آسیای صغیر طرف صحبت او بوده‌اند و آن چه عرضه می‌کند البته جامع نیست، ولی قابل توجه و مقرون به حقیقت است.

هرودوت بر اختلاف میان عادات دو ملت انگشت می‌گذارد: پارسیان نه معبد و نه محراب دارند و نه خدایانی چون خدایان ما، آنان در جاهای بلند، آسمان را در مجموع می‌ستایند. قربانیان خود را مصرف نمی‌کنند. اجساد با تشریفات خاصی به پرنده‌گان عرضه می‌شود... از نظر تعالیم و اخلاق، اعتقاداتشان منطقی و مستدل است. یک گناه و اشتباه به‌تنهایی به حساب نمی‌آید، بلکه تعادل اعمال نیک و بد هر کس مورد توجه قرار می‌گیرد، تعلیم و تربیت آنان غامض و پیچیده نیست، ساده و اساسی است: اسب سواری، تیراندازی و راست‌گویی..

هرودوت تنها چیزی که از ثنویت ایرانی و ستیزه ضد بدی عرضه می‌کند، مبارزه با گروهی حیوانات موذی است. در ضمن چند مورد از کارهای ناشایست در نگاه ایرانیان آنان را برمی‌شمارد: بُف کردن، رودخانه را آلودن و... البته از دریای عظیمی که از نظر اخلاق و اعتقادات و فلسفه حیات و... زردشت به دنیای آن روز عرضه کرده است، این چند مورد فقط قطره کوچکی به شمار می‌آید، ولی به هرحال نمونه‌ای است برای آشنایی.

مورخان بعد کدام مطلب نوتری عرضه می‌کنند؛ کنزیاس از شیوه‌ی ازدواج پارسیان سخن می‌گوید؛ گزنفون اشاره‌ی تغییر شکل‌یافته‌ای از رستاخیز مردگان در این آیین پیش می‌کشد ولی استرابن خود شخصاً در آسیای صغیر مشاهده‌های جدیدتری را برای این موضوع دستچین می‌کند.

علاقه فلاسفه در آن دوران به تاریخ و مذهب ایران، کمتر از مورخان نبود. افلاتون بدون شک با آیین و اعتقادات مذهب زردشت آشنایی داشته است و نوشته‌های افلاتون شاید نخستین متن فلسفی یونانی باشد که از زردشت و هر مزد نام می‌برد.

ارستو نیز با ثنویت این آیین آشناست و در آن قدیم‌ترین طلایه‌ی عقاید افلاتونی را مشاهده می‌کند. البته منظور این نیست که به عقاید یونانی، اصل و پیشینه‌ای ایرانی داده شود، بلکه شاید بتوان نوعی تسلسل و مشابهت در آن پیدا کرد.

پس از اسکندر و لشکرکشی‌ها و تماس‌های مداومی که میان ایرانیان و یونانیان پدید می‌آید، به عقاید تازه‌تری برمی‌خوریم؛ از آن جمله در بعضی آثار می‌بینیم که اظهار می‌شود فیثاغورث و همه فلاسفه نخستین، تعلیم‌یافته‌ی مکتب عقلائی شرق و ایران بوده‌اند.

تشر و بسط عقاید فلسفی و مذهبی ایرانیان شاید وسیله‌ای بود که مقابله با غلبه‌ی هلنیسم و حفظ برتری به کار گرفته شد و یونانیان نیز برای پذیرش چنین نظراتی آمادگی داشتند؛ زیرا که از بعد از قرن اول پیش از میلاد، فلسفه یونان به سوی نوعی عرفان کشیده شد و در نتیجه، عقاید فیثاغورث چون نوعی مذهب عرضه می‌شد و مشهور شد که فیثاغورث شاگرد زردشت بوده است و افلاتون با فقه‌های پارسی و پیشوایان دینی زردشتی دیدار کرده است و یا خیال چنین اقدامی را در سر می‌پرورده‌است. این‌ها همه دلایل تازه‌ای برای نگرستن یونانیان و رومیان به سوی ایران بود.

رفته‌رفته دل‌باختگی به شرق و به‌ویژه به ایران و آیین زردشت ریشه‌دارتر می‌شد و جالب این‌که برای دادن ارزش به هر نوشته مربوط به کیمیاگری، ستاره‌شناسی و اخترشناسی، تبلیغی بهتر و قابل‌قبول‌تر از این نمی‌یافتند که آن را به زردشت نسبت دهند.

نو افلاتونیان که به دلایلی بیش‌تر به عقاید دینی زردشتی رایج در ایران توجه پیدا کردند و ضمن تفسیر عقاید افلاتونی موضوع ثنویت و دیگر عقاید زردشتی را جامع‌تر عرضه کردند، اصل آفرینش در دین زردشتی را به میان کشیدند که اصل واحد با زمان، بالاتر از او هر مزد و اهریمن قرار داد و این اشاره به یکی از عقاید استوره‌ای دینی زردشتی درباره آفرینش است که بعدها به زروانی‌گری نیز تعبیر می‌شد. افسانه‌های جالب این عقیده را همراهی می‌کند و آن این‌که زروان با خدای زمان و قدرتی بالاتر از همه، قرن‌ها در انتظار داشتن نسلی صبر کرد و چون دوران این انتظار طولانی بود و صبر و تحمل طاقت‌فرسا، شکی در او پدید آمد که هرگز نسلی از او به وجود نخواهد آمد. اما از صبر و تحمل او او هر مزد پدیدار شد؛ نیک، با قدرتی عظیم در مسیر راستی، روشنی، درخشندگی، خوشبویی و هر آن‌چه خوب است و دوست‌داشتنی. و از سایه شک زروان، اهریمن درست شد، بد، خراب‌کننده یا قدرتی در مسیر بدکردن، تاریک و بدبو و نفرت‌انگیز... و هزاره‌های آفرینش جولانگاه ستیزه‌های این دو قدرت نیکی و بدی است که سرانجام به پیروزی ابدی او هر مزد منجر خواهد شد. این عقیده استوره‌ای در آثار یونانی به طور خلاصه دیده می‌شود و در بعضی نوشته‌های ارمنی، گاه به صورت تحریف یافته‌ای عرضه می‌شود.

بعدها، پیدایش دین مسیح، مبلغان او را به یادگیری این آیین سوق می‌دهد و ما تعاریف تغییر شکل‌یافته‌ای از اعتقادات زردشتی را در آثار آنان که به زبان‌های دیگر است، می‌بینیم.

(۱) بر پایه‌ی پژوهش‌های نوین زمان زرتشت به ۱۲۰۰-۱۰۰۰ پیش از میلاد می‌رسد. در این باره کتاب گرانو نیولی با نام زمان و زادگاه زرتشت بسیار روشنگر است. (سر‌دبیر)